



کارشناس ارشد محیط زیست

دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

پست الکترونیک: 23hamid.r.h@gmail.com

## مقدمه:

مطالعات سالهای اخیرش با ریشه‌یابی نقص‌های نظام اقتصاد آزاد و تاثیر آن بر اکوسیستم جهانی، به این نتیجه رسیده است که عصر ما نیازمند یک تحول اکولوژیک عظیم است این موضوع در حال حاضر کاملاً قطعی شده است که بشریت با یک چشم انداز مواجه است. چشم اندازی که فروپاشی زیست‌محیطی کل سیاره را نشان می‌دهد. اکنون نه تنها بحران زیست‌محیطی رو به افزایش است بلکه سرعت وقوع آن نیز شتابنده‌تر شده است. در حال حاضر استراتژی‌های زیست‌محیطی که در دهه‌های پیشین اتخاذ شده بود به وضوح شکست خورده‌اند، در این میان چیزی که عیان گردیده این است که ریشه‌های این بحران در شیوه تولید بازار آزاد است. در ادامه بخش‌هایی از این کتاب برای آشنایی با روی تاریک نظام اقتصاد آزاد آورده شده است:

۱. بوچاد در سال ۲۰۰۸ در مقاله‌ای به‌طور لفظی می‌گوید: دستاورد بزرگ اقتصاد چیست؟ با اینکه بحث بوچاد درباره بحران مالی جهانی اخیر متمرکز بوده ولی به‌طور گسترده‌ای رویکردهای اقتصادی معطوف به بازار آزاد در برابر مساله محیط‌زیست را هم شامل می‌شود. به‌عنوان مثال، جنگل‌های باستانی در این نگرش به‌عنوان دارایی‌های غیرفعال به‌حساب می‌آیند یا آب‌وهوای تمیز به‌مانند کالاهای لوکسی است که ثروتمندان آن‌ها را خریداری می‌کنند.

یکی از گپ‌های مطالعات زیست‌محیطی در کشور ما بررسی ارزش اقتصادی منابع محیطی بوده است. اینکه محیط‌زیست گرایان در گفتمان‌های رسمی و غیررسمی در برابر اقتصادپون، هنگامی که بحث به ارزش واقعی طبیعت می‌رسد دست و زبانشان کوتاه می‌شود. با این حال باید به این مسئله توجه داشت که بحران زیست‌محیطی کنونی در کشور ما ریشه در بهره‌برداری حداکثری از منابع، بدون توجه به نیازهای طبیعت و ظرفیت‌های بومی دارد و البته علی‌رغم فقدان بیان دیدگاه رسمی برای نظام اقتصادی باید اذعان نمود که این نظم و نگرش به بازار به‌نظام اقتصاد آزاد بسیار نزدیک است. دیدگاهی که حتی به اذعان بسیاری از متفکران اقتصادی عامل اصلی تخریب زیست‌محیطی گسترده‌ای است که شاهد آن هستیم. جان بلامی فاستر، برت کلارک و ریچارد یورک به‌عنوان متفکران محیط‌زیست‌گرا شناخته شده‌اند که در کتاب گسست بوم‌شناختی، به‌نقد نظام اقتصاد بازار آزاد و شیوه نگرش این نظام به منابع محیطی پرداخته‌اند. بلامی فاستر در

تأثیر بگذارند و سازمان خاص مبادلات مواد را شکل دهد؛ بنابراین به طور واضح قابل مشاهده است که تغییرات آب و هوایی جهانی در ارتباط با دوران تاریخی نظام اقتصاد آزاد است. در واقع ارتباط مستقیمی بین انباشت سرمایه و انباشت دی‌اکسید کربن در جو وجود دارد. تخریب‌های زیست‌محیطی در کنار شرایط ساختاری نظام بازار آزاد که توسعه تکنولوژیک را برای مزایای زیست‌محیطی محدود کرده موجب تشدید شرایط موجود شده است. اغلب به صنعت‌گرایی به‌عنوان عامل گرمایش زمین توجه می‌شود در حالی که صنعت‌گرایی در غالب یک سیستم اقتصادی جهانی خاص تعبیه شده است (از پیش از میلاد مسیح تاکنون ۳۱ درصد به دی‌اکسید کربن جو زمین افزوده شده است که بیش از نیمی از آن از سال ۱۹۶۵ بوده است).

### مؤخره:

هدف از مطالعه آرای بلامی فاستر و دیگران، یافتن علل اصلی و اولیه مشکلات و فجایع کنونی ماست. همانطور که در اشارات کوتاه فوق آمده است مشکل ما نه فقر مالی (به ادعای مدیران سازمان محیط زیست) و نه اختلافات سطحی و گذرای تفاوت نام علمی و فارسی سیاه گوش و کاراکال است. مشکل ما حتی ضعف سیستم اجرایی و پژوهشی نیست، مشکل ما نبود سیستم است، سیستم به معنای واقعی کلمه و در تمامی سطوح فکری، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی. سیستمی که حتی اگر با محدودیت‌های زمانی و مکانی ما دارای نقصان باشد ولی به دلیل خصوصیت ذاتی سیستم که روابط میان اجزاء را نشان می‌دهد قابلیت به‌روزرسانی و تغییر داشته باشد و بتواند مشکلات پایه‌ای ما را آشکار کند. شاید آمایش سرزمین

سیاست‌های اقتصادی در ایالات متحده به مدت طولانی تحت تأثیر متفکرانی قرار داشت که بدون شک موضع نظام اقتصادی بازار آزاد را پذیرفته بودند. بر این اساس جهان طبیعی را تنها با توجه به میزان بهره کوتاه‌مدت از طریق بهره‌برداری از آن می‌سنجیدند. بوچاد می‌گوید: شناخت کامل و کارآمدی بازار آزاد ناشی از مطالعات و دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که بیشتر شبیه تبلیغات علیه اقتصاد جامعه‌گرا است تا علم قابل قبول.

۲. در جامعه سرمایه‌سالار همواره تمایل به غارت بردن هر چیزی به‌جز سیستم اقتصادی موجود است. با این حال اگر بحران زیست‌محیطی در حال توسعه به ما چیزی داده، این است که اگرچه رشد جمعیت و فناوری‌های نامناسب نقش مهمی در تشدید تخریب محیط‌زیست ایفا می‌کنند، با این حال گسست اکولوژیکی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم، منبع اصلی آن در اقتصاد می‌باشد. جمعیت جهان در طول قرن گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته، اقتصاد جهانی بسیار سریع‌تر گسترش پیدا کرده و کشورهای ثروتمند از منابع طبیعی به میزان بسیار بالاتر از کشورهای فقیرتر با جمعیت مساوی یا بزرگ‌تر استفاده کرده‌اند. با این توصیف تغییر نگرشی که باید صورت گیرد در کنترل جمعیت نیست بلکه در کنترل مصرف است.

۳. ظرفیت انسان برای تبدیل طبیعت به شیوه‌های مخرب، شناخته شده، ولی تنها در سال‌های اخیر بقای بلندمدت تمدن بشری مطرح شده است، با توجه به مقیاس مشکلات زیست‌محیطی و عبور از مرزهای بوم‌شناختی سیاره‌ای. یکی از مهم‌ترین چالش‌های زیست‌محیطی تغییرات اقلیمی جهانیست. اقتصاد بازار آزاد - از اواخر قرن پانزدهم - نظام اقتصادی جهانی هژمونیک بوده و توانسته بر تعاملات انسانی با طبیعت

\* عنوان مطلب از مقاله‌ای به نام "ریشه های تاریخی بحران بوم شناختی ما" از کتاب بوم‌شناسی، علم عصیانگر آقای عبدالحسین وهاب‌زاده گرفته شده است.

#### THE ECOLOGICAL RIFT , 2010

نویسندگان: جان بلامی فاستر، برت کلارک و ریچارد یورک

با رویکرد مشارکتی (هم کارشناسانه و هم مردمی) می‌توانست چراغ راه کشور باشد ولی نبود دیدگاه سیستمی تمامی تلاش‌های سازمان برنامه و مطالعات آمایشی را باطل کرده است. واقعیت تاسف برانگیز است ولی ما در جهانی که نظام‌های چند صدساله اقتصادی و فکری با چالش روبرو هستند، حتی به یک نگرش و سیستم، هرچند ناقص و معیوب، دست نیافته‌ایم.